

An Examination of the Violation of Iranian Economic Human Rights Resulting from U.S. Economic Sanctions

Mohammad Adami Abarqoei¹, Ali Kafami²

¹ PhD., Department of International Law, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). mohamadadami@yahoo.com

² Master's student, Department of International Law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.
a.kafami@isu.ac.ir

Abstract

In the contemporary international system, economic sanctions are increasingly employed as instruments of political and economic pressure against states. One of the most prominent examples of such policy is the extensive and continuous sanctions imposed by the United States of America on the Islamic Republic of Iran since the 1979 Revolution. The present study aims to examine the economic dimensions of these sanctions and analyze their implications for the fundamental economic human rights of Iranian citizens. The principal question addressed in this research is whether the unilateral sanctions imposed by the United States against Iran are compatible with the standards of economic human rights set forth in core human rights instruments—particularly the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights—or whether they should be regarded as violations thereof. This study adopts a descriptive–analytical approach, based on documentary and library research methods. Within this framework, the concept and status of economic sanctions in international law are first examined, followed by an analysis of the historical evolution of U.S. sanctions against Iran. Subsequently, the economic and social impacts of these sanctions are evaluated in light of international human rights instruments. The findings indicate that, despite the inclusion of humanitarian exemptions within the sanctions regime, these measures have, in practice, produced widespread economic and social consequences for Iranian citizens. Restricted access to the global financial and banking systems, reduced foreign investment, and disruption of trade exchanges have collectively led to weakened economic indicators and a decline in public welfare. Moreover, indirect obstacles to the supply of essential goods—such as medicines and medical equipment—have hindered the effective realization of rights including the right to health, the right to development, and the right to an adequate standard of living. Accordingly, the continuation of such sanctions appears to be inconsistent with international human rights obligations.

Keywords: economic sanctions, United States, economic human rights, Iran.

Cite this article: Adami Abarqoei, M. & Kafami, A. (2025). An Examination of the Violation of Iranian Economic Human Rights Resulting from U.S. Economic Sanctions. *Journal of Philosophy of Law*, 4(2), p. 83-110.
<https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71782.1116>

Received: 2025-05-06 ; **Revised:** 2025-07-03 ; **Accepted:** 2025-08-07 ; **Published online:** 2025-12-24

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



واکاوی نقض حقوق بشر اقتصادی ایرانیان ناشی از تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا

محمد آدمی ابرقویی^۱، علی کفعمی^۲

^۱ دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mohamadadami@yahoo.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. a.kafami@isu.ac.ir

چکیده

در نظام بین‌الملل معاصر، تحریم‌های اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این سیاست، تحریم‌های گسترده و مستمر ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد اقتصادی این تحریم‌ها و تحلیل پیامدهای آن بر حقوق اساسی اقتصادی بشر انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق آن است که آیا تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران، با استانداردهای حقوق اقتصادی بشر مندرج در اسناد بنیادین حقوق بشر، به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازگار است؟ یا می‌توان آن‌ها را مصداقی از نقض این حقوق تلقی کرد. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و براساس روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این چارچوب، ابتدا مفهوم و جایگاه تحریم‌های اقتصادی در حقوق بین‌الملل بررسی شده و سپس روند تاریخی تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه، آثار اقتصادی و اجتماعی این تحریم‌ها در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشر ارزیابی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود پیش‌بینی معافیت‌های بشردوستانه در نظام تحریم‌ها، این اقدامات در عمل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای برای شهروندان ایرانی به همراه داشته است. محدودیت در دسترسی به نظام مالی و بانکی بین‌المللی، کاهش سرمایه‌گذاری و اختلال در مبادلات تجاری از جمله پیامدهایی است که به تضعیف شاخص‌های اقتصادی و کاهش سطح رفاه عمومی منجر شده است. همچنین ایجاد موانع غیرمستقیم در تأمین برخی کالاهای اساسی، از جمله دارو و تجهیزات پزشکی، بهره‌مندی مؤثر از حقوقی مانند حق بر سلامت، حق بر توسعه و حق برخورداری از سطح مناسب زندگی را با چالش مواجه ساخته است. بر این اساس، تداوم این تحریم‌ها می‌تواند با تعهدات بین‌المللی حقوق بشر در تعارض قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تحریم اقتصادی، آمریکا، حقوق بشر اقتصادی، ایران.

استناد به این مقاله: آدمی ابرقویی، محمد؛ کفعمی، علی (۱۴۰۴). واکاوی نقض حقوق بشر اقتصادی ایرانیان ناشی از تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا. *فلسفه حقوق*، (۲)۴، ص ۸۳-۱۱۰. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71782.1116>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



۱. مقدمه

حسب گزارشات تاریخی، نخستین تحریم‌های اقتصادی ثبت شده در تاریخ ۴۳۲ قبل از میلاد، در یونان و توسط دولت شهر آتن علیه همسایه خود یعنی مگارا^۱ اعمال شد. ^۲ از آن زمان تا آستانه تحریم‌های اقتصادی اروپا علیه بریتانیا به رهبری ناپلئون، تحریم‌های همزمان با جنگ‌های جهانی و دهه‌های اخیر، تحریم‌های اقتصادی نقش پررنگی در تعاملات اعضای جامعه بین‌الملل ایفا نموده‌اند. تحریم‌ها گاه‌آثار زیان‌بار اقتصادی شدیدی بر دولت‌های هدف ایجاد کرده است. در آثار پژوهشی مختلف رشته‌های علوم انسانی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحریم مورد بررسی قرار گرفته است. در رشته حقوق نیز پژوهشگران مطالعات زیادی نسبت به مقوله تحریم و مشخصاً تحریم‌های اقتصادی ارائه نموده‌اند. در آثار حقوقی مطالعه تأثیرات اقتصادی تحریم‌های آمریکا، به عنوان شدیدترین، فراگیرترین و بادوام‌ترین تحریم‌های اعمال شده علیه دولت ایران، با عنایت به اصول اساسی حقوق اقتصادی بشر در میثاق اجتماعی اقتصادی سازمان ملل متحد با تأکید بر حق بر توسعه، دارای سابقه است؛ ولی نیاز به پژوهشی با رویکرد بررسی همه‌جانبه آثار ناقض حقوق اقتصادی بشر در این زمینه همچنان وجود دارد. میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد به عنوان سندی بالادستی در جهان کنونی و نظام حقوق بین‌الملل و سندی که اغلب بخش‌های آن عرفی شده^۳ محسوب می‌شود، حق استفاده آزاد از منابع و ثروت‌های طبیعی و تعامل متقابل اقتصادی را برای کلیه مردم محترم شمرده و تأکید نموده که این حق به هیچ عنوان قابل نقض نیست (میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۶، بند ۲ ماده ۱). به عنوان بررسی پیشینه پژوهش، به صورت کلی مطالعات تحریمی در آثار فارسی زبان گاهی به بررسی تاریخچه (بیات، ۱۳۹۱)، برخی با تأکید بر مسئله نقض حقوق بشر و فارغ از نهاد تحریم‌کننده (زمانی و غریب‌آبادی، ۱۳۹۶؛ رجبی، ۱۴۰۱)، پاره‌ای با تأکید بر تحریم‌های آمریکا و نسبت آن با حقوق بشر (شاحیدر و دشتی، ۱۴۰۱)، برخی دیگر در تلاش برای انطباق‌سنجی عملکرد شورای امنیت با حقوق بین‌الملل در تحریم ایران (ممتاز، ۱۳۸۷؛ عمادی، ۱۳۹۱) و دسته‌ای دیگر سعی در بررسی همه‌جانبه مسئله داشته‌اند (وکیل، ۱۴۰۲؛ فرخ سیری، ۱۳۸۸؛ انصاریان، ۱۳۹۱)، که مورد اخیر نیز دچار مشکل به‌روز نبودن و عدم بررسی آخرین تحریم‌های اثرگذار بر حقوق اقتصادی بشر است. پژوهش حاضر درصدد است ضمن واکاوی اجمالی مبانی و مفاهیم تحریم اقتصادی، تاریخچه‌ای از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا ارائه نموده و در نهایت انطباق و اثرگذاری آن بر حقوق بنیادین بشر در اسناد بین‌المللی مرتبط، به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق اقتصادی،

1. Megara

2. Metych, Michele. "Economic sanctions". Encyclopedia Britannica

3. Erga Omnes

اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل را مورد بررسی قرار داده و تخلف آمریکا از مقررات حقوق بین‌الملل را نشان دهد.

۲. ساختارشناسی تحریم‌های آمریکا

در بخش بررسی تحریم‌های آمریکا، تلاش بر آن است که سیر تاریخی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران بررسی شود. در این بخش مهم‌ترین قوانین، مقررات و دستورات اجرایی صادرشده در دولت آمریکا با جزئیات نسبی بررسی خواهد شد. هدف آن است که از رهگذر تاریخی و بیان اتفاقات حقوقی صورت‌پذیرفته، رهیافتی به حقوق بین‌الملل بشر داشته و پیوندی میان این بررسی تاریخی و دانش حقوق برقرار شود. در ابتدا مبانی، تعریف و جایگاه تحریم اقتصادی در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد تا این نهاد حقوقی که امروزه با اضافه شدن روسیه به باشگاه تحریمی‌ها در اثر جنگ اوکراین، موجب نگرانی و دقت‌نظر بسیاری از اندیشمندان حقوق بین‌الملل شده، شناخته شود. در ادامه تحریم‌های اقتصادی آمریکا از مبدأ زمانی تسخیر سفارت آمریکا در تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ آغاز و تا دستور اجرایی صادرشده علیه ایران در سال ۲۰۲۰ ادامه می‌یابد.

۲-۱. مبانی و کلیات

الف. تعریف تحریم

تحریم^۱ در لغت، منع نمودن و بازداشتن معنا شده است (Hufbauer & et al., 2008). این واژه گاهاً در معنای ضمانت اجرا و ابزار تضمین اجرای قوانین به کار می‌رود (Oxford English Dictionary, n.d.). در لغت‌نامه بریتانیکا معنای موافقت یا مجوز نیز در مدخل این واژه قابل مشاهده است (The Britannica Dictionary, n.d.). در دانش حقوق بین‌الملل تحریم «اقدامی که علیه یک دولت اتخاذ می‌شود تا آن را به تبعیت از حقوق بین‌الملل وادارد، یا آن را به واسطه نقض حقوق بین‌الملل مجازات نماید» آمده است (Martin, 2006). مالوی نیز به خصیصه غیرقهری بودن تحریم‌ها اشاره داشته و آن را سلسله اقدامات بدون کاربرد تهدید می‌داند (Malloy, 1990, p. 7). به نظر می‌رسد تعاریف ارائه‌شده به صورت محدود و ظاهر در تحریم‌هایی است که توسط سازمان ملل متحد و مشخصاً شورای امنیت، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و مشخصاً ماده ۴۱ اتخاذ می‌شود. این تحریم‌ها با ایجاد محدودیت اقتصادی برای کشور متخلف، سعی در بازگرداندن آن به وضعیت سابق و تبعیت از حقوق بین‌الملل دارد. به نظر می‌رسد آنچه امروزه توسط دولت‌هایی مانند آمریکا و یا اتحادیه اروپا رخ می‌دهد، گاهاً به بهانه تبعیت از حقوق بین‌الملل صورت می‌پذیرد؛ مانند آنچه در اولین تحریم شورای اروپایی در قبال برنامه

1. Sanction

هسته‌ای ایران و به تبعیت از قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت رخ داد (European Council, 2007). لیکن، در اغلب موارد صرفاً در جهت منافع سیاسی دولت یا سازمان بین‌المللی رخ داده و به ابزاری جهت تقابل غیرنظامی دولت‌ها تبدیل شده است. بنابراین، به عنوان تعریفی مبتنی بر وضعیت کنونی نظام حقوقی بین‌الملل می‌توان تحریم را چنین معنا نمود: «مجموعه اقدامات غیرقهری اتخاذشده توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی به منظور واداشتن سایر تابعین حقوق بین‌الملل به تبعیت از حقوق بین‌الملل و یا جهت هم‌راستا نمودن سایر دولت‌ها با اهداف سیاسی خویش».

ب. مبنای بین‌المللی تحریم

مبنای حقوقی تحریم‌های بین‌المللی را بایستی مانند بسیاری دیگر از مسائل در دو بخش سازمان ملل متحد و سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی بررسی نمود. در سطح سازمان ملل متحد، ریشه اصلی تحریم مربوط به ماده ۴۱ منشور ملل متحد و فصل هفتم می‌باشد که طبق آن، در صورت شکست شیوه‌های مسالمت‌آمیز، حل اختلافات می‌تواند به تحمیل مجازات‌ها منتهی شود (مافی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). سنخ کلی مجازات‌ها نیز در این بخش بررسی شده و صراحتاً به توقف روابط اقتصادی و انقطاع ارتباطات سیاسی اشاره شده است. تصریح می‌گردد که بند دوم از ماده ۲ منشور ملل متحد نیز دولت‌ها و اعضای منشور را ملزم به تبعیت از تعهدات منشوری همراه با حسن نیت می‌نماید و کلیه دولت‌ها ملزم به تبعیت از این تصمیم سازمان ملل خواهند بود؛ لیکن، این نوع تحریم توسط دولت‌ها علیه دولت دیگر، از سنخ تبعیت از سازمان ملل متحد و تدابیر الزام‌آور آن است، نه تصمیمات یک‌جانبه و سیاسی دولت‌ها. در سطح دولتی و سازمان‌های بین‌المللی، برای توجیه مسئله تحریم اعم از اقتصادی، سیاسی و غیر آن، بایستی اوراق پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی^۱ در زمینه «اقدامات متقابل»^۲ و همچنین دو مفهوم «مقابل به مثل»^۳ و «تلافی»^۴ در حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی را بررسی نمود. اقدامات متقابل در صورتی که در پاسخ به اقدام غیرقانونی سابق یک دولت دیگر و در محدوده شرایط پیش‌نویس طرح مسئولیت اقتباس شود، در حقوق بین‌الملل شناخته شده و مورد قبول است (Gordon KC, Smyth & Cornell, 2019, p. 1). بنابراین، با وجود اینکه اقدامات متقابل اصولاً اعمالی متخلفانه و مخالف حقوق بین‌الملل هستند، در صورتی که همراه با رعایت شروط پیش‌نویس طرح مسئولیت و رعایت کلیه عرف، اصول حقوقی و قوانین موضوعه حقوق بین‌الملل باشند، مورد قبول بوده و دولت از حیث بین‌المللی مسئول و متخلف شناخته نخواهد شد؛ برای مثال، در صورتی که کشوری در پاسخ به عدم ایفای تعهد یک دولت به صادرات مداوم گاز طبیعی، پس از انجام شروط

1. Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, 3 August 2001

2. Counter Measure

3. Retorsion

4. Reprisal

مذکور در فصل دوم بخش سوم طرح پیش‌نویس از جمله دعوت به بازگشت به تعهدات، متقابلاً از صادرات یک کالای خاص که حسب قراردادهای بین‌دولتی متعهد به آن می‌باشد، خودداری نماید. مقابله به مثل به مجموعه اقدامات غیردوستانه‌ای اطلاق می‌شود که حسب حقوق بین‌الملل ممنوع نیستند؛ مانند اخراج دیپلمات‌ها (سیفی و حسنخانی، ۱۳۹۶، ص ۳۷). امروزه بسیاری از اقدامات دولت‌ها در تعاملات روزمره با یکدیگر، از این نوع بوده و به تنهایی نمی‌تواند تخلف از حقوق بین‌الملل تلقی شود؛ هرچند گاهی اوقات اجتماعی از این رفتارها می‌تواند ادله و اماراتی مبنی بر وقوع یک تخلف مرکب از حقوق بین‌الملل باشد. اقدامات تلافی‌جویانه نیز «اقداماتی قهرآمیز است که دولتی با تخطی از مقررات عادی حقوق بین‌الملل در واکنش به اعمال نامشروع و زیانبار دولتی دیگر، به عمل می‌آورد» (فلسفی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳). اقدامات تلافی‌جویانه عملکردهایی از دولت است که به هیچ وجه قابل مطابقت با حقوق بین‌الملل نبوده و با وجود اصل ممنوعیت توسل به زور، خلاف حقوق بین‌الملل و مستلزم مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف به جبران کلیه خسارات مادی و غیرمادی بوده است. به نظر می‌رسد تحریم‌ها بسته به نوع و مصداق آن در طیفی از اقدامات متقابل، مقابله به مثل و نهایتاً رفتار متخلفانه دولت‌ها^۱ قرار می‌گیرد؛ برای مثال، مسدود نمودن اموال دولتی ایران به موجب دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ جیمی کارتر^۲ اقدامی متخلفانه است؛ چه اینکه مسدودی و ضبط اموال دولت‌ها حسب حقوق بین‌الملل عرفی و نظریه کمیسیون حقوق بین‌الملل، از تعرض سایر دولت‌ها مصون است (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۵۳).

۲-۲. تاریخچه تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران

❖ الف. از انقلاب اسلامی ایران تا بیانیه الجزایر

نخستین مواجهه تحریمی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به واسطه تسخیر سفارت‌خانه آمریکا در تهران بود. این اقدام با تایید پسینی همراه بود. در پاسخ، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا طی دستور اجرایی^۳ ۱۲۱۷۰ که طبق قانون اساسی ایالات متحده دارای قوه اجرایی بر دولت فدرال و کلیه ایالات می‌باشد،^۴ ایران را از دسترسی به کلیه دارایی‌ها و بهره‌دارایی‌های متعلق به دولت و بانک مرکزی که در سرزمین آمریکا یا تحت کنترل آن دولت بود، محروم نمود (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹). همچنین کارتر «اعلامیه وضعیت اضطراری ملی»^۵ که حسب قوانین آمریکا^۶ یک دسترسی قانونی و اجرایی علی‌حده

1. Wrongful Act of State
2. Executive Order No. 12170, 1979
3. Executive Order
4. Constitution Annotated
5. National Emergency Declaration
6. International Emergency Economic Powers Act

برای رئیس جمهور محسوب می‌شود، صادر نموده و وزارت خزانهداری را مسئول رسیدگی به اموال بلوکه شده که در آن زمان حسب گزارشات حدود ۱۲ میلیارد دلار ارزش داشت، نمود.^۱ این اتفاق دو روز پس از بیانیه ۴۷۰۲ جیمی کارتر صورت پذیرفت؛ بیانیه مشهوری که طی آن واردات نفت خام و مشتقات نفتی قابل استفاده در پالایشگاه‌ها به ایالات متحده که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت خام در آن زمان بود، ممنوع شد.^۲ در هفتم آوریل ۱۹۸۰ دستور اجرایی ۱۲۲۰۵ صادر شد که گام جدی در زمینه تحریم تجارت کالا، حمل و نقل و پرداخت‌های مرتبط با آن بود. همچنین این سند کلیه قراردادهای خدماتی^۳ برای ایران را منع نمود که با توجه به نفتی بودن اقتصاد ایران و نیاز گسترده نگهداری و توسعه این صنعت به قراردادهای مذکور، بر صنایع اقتصادی ایران به‌ویژه این صنعت نیز تأثیرگذار بود. به موجب این سند، طیف وسیعی از محدودیت‌ها و تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران آغاز شد:^۴

- فروش، تأمین یا انتقال هرگونه کالا و مواد اولیه توسط اشخاص تحت صلاحیت قضایی آمریکا بجز انتقال غذا، دارو و تجهیزاتی که فقط و فقط برای مصرف دارویی به‌کار می‌رود؛ از خاک آمریکا یا کشور دیگر (صادرات مجدد) اعم از آنکه در آمریکا تولید شده یا نشده باشد.

- بارگیری و انتقال کالاهای فوق‌الذکر به وسیله هواپیما، کشتی و وسائط نقلیه زمینی ثبت‌شده در آمریکا یا تحت مالکیت یا کنترل اشخاص تحت صلاحیت قضایی آمریکا به مقصد ایران.

- حمل کالاهای مذکور در بند «الف» به وسیله وسایل حمل و نقل ایرانی.

- پرداخت وام و اعتبار، سپرده‌پذیری غیردلاری، تسهیلات تجاری و هرگونه نقل و انتقال مالی که توسط اشخاص آمریکایی انجام شود.

- انعقاد کلیه قراردادهای خدمات برای ایران.

در این سند تأکید شده که هیچ‌یک از محدودیت‌های فوق‌الذکر مشمول افرادی که تحت شمول قوانین سایر کشورها هستند، نمی‌شود؛ البته به شرطی که مؤسسه غیربانکی باشد.

۱۰ روز بعد و با توجه به حمله شوروی به افغانستان، دستور اجرایی دیگری دستور قبل را توسعه بخشیده و برای نخستین بار هدایت، حمایت یا مشارکت در تروریسم بین‌المللی^۵ را که تاکنون دولت ایران به آن متهم است را وارد ادبیات حقوق بین‌الملل نمود. دستور اجرایی مزبور، اطلاق تحریم‌های مالی و تجاری را افزوده و «انجام هرگونه پرداخت، انتقال اعتبار یا هرگونه انتقال وجوه، مگر به قصد انتقالات خرد خانوادگی» ممنوع گردید؛ درحالی‌که در نسخه پیشین صرفاً نقل و انتقالات توسط اشخاص آمریکایی

1. Executive Order No. 12170, 1979

2. Proclamation 4702—Imports of Petroleum and Petroleum Products From Iran, 1979

3. Service Contracts

4. Executive Order No. 12205, 1980

5. Directing, Supporting or Participating in International Terrorism

ممنوع بود. موضوع دیگر آنکه، رئیس جمهور، وزیر خارجه را مسئول نمود تا با استناد به بخش ۲۱۵ قانون مهاجرت و تابعیت، مقدمات مقرراتی و اجرایی منع سفر با پاسپورت آمریکایی به ایران را فراهم نماید.^۱

❖ ب. از بیانیه الجزایر تا قانون CISADA

با نهای شدن اعلامیه الجزیره در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ با هدف حل مسئله میان دولت آمریکا و ایران، کارکنان سفارت آمریکا که در اسارت جمهوری اسلامی ایران بودند، آزاد شده و در مقابل آمریکا موافقت نمود تحریم‌های وضع شده طی دستورات اجرایی مختلف را از طریق سازوکارهای خاصی که در ادامه ذکر خواهد شد، برطرف نماید. این اتفاق از طریق ۹ دستور اجرایی مجزا با موضوعات مختلفی، قالب حقوقی به خود گرفت. خلاصه‌ای از مفاد اقتصادی این ۹ دستور اجرایی (۱۲۲۸۴-۱۲۲۷۶) به شرح زیر است:

- رفع ممنوعیت‌های دستور اجرایی‌های ۱۲۱۷۰، ۱۲۲۰۵ و ۱۲۲۱۱،
- جواز افتتاح حساب ایران و کلیه نهادهای دولتی و غیردولتی ایران در آمریکا و از جمله فدرال رزرو نیویورک،^۲

- ایجاد یک حساب امنی برای بانک مرکزی الجزیره نزد یک کشور خارجی، به منظور واریز وجوه مسدودشده ایران در آن حساب و امکان برداشت از منابع با تأیید الجزیره مبنی بر آزادی ۵۲ کارمند اسیر سفارت (همان)،

- واریز کلیه دارایی‌ها، اوراق بهادار، طلا و سود سپرده‌های دولت ایران نزد فدرال رزرو آمریکا و شعب خارجی بانک‌های آمریکایی به بانک انگلستان.^۳

با وجود اینکه با امضای بیانیه الجزایر توسط دو دولت، روابط در ظاهر به سوی بهبودی می‌رفت و تحریم‌های ایران کاسته می‌شد، وزارت خارجه آمریکا به ادعای دست داشتن ایران در کشته شدن تفنگداران و خدمه آمریکایی در پایگاه نظامی بیروت در سال ۱۹۸۴، ایران را به لیست کشورهای حامی تروریسم افزود. این لیست قبلاً در سال ۱۹۷۹ به جهت فعالیت‌های سوریه ایجاد شده بود و به موجب آن اگر کشوری به این لیست درآید، مشمول به عنوان «بخش 7J قانون مدیریت صادرات»، «بخش ۴۰ قانون کنترل صادرات تسلیحات» و بخش 620A قانون کمک‌های خارجی دولت آمریکا» گردیده و صادرات نظامی از آمریکا به آن کشور، دریافت هرگونه کمک مالی، اعتبار و وام، خدمات حمل و نقل در جهت فراهم کردن تسلیحات نظامی توسط دولت و اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر ممنوع می‌گردد. همچنین، کلیه مؤسسات مالی بین‌المللی آمریکا موظفند به درخواست آن کشور برای دریافت وام رأی منفی دهند (State Sponsors of Terrorism, 1984).

1. Executive Order No. 12211, 1980

2. Executive Order No. 12276, 1981

3. Executive Order No. 12277&12278, 1981

ابتدای آبان ۱۳۷۱ مصادف با ۲۳ اکتبر ۱۹۹۲ سالی مهم در تاریخچه تحریم‌های ظالمانه علیه ایران است. این اهمیت از دو حیث بروز می‌نماید:

نخست؛ در این تاریخ نخستین قانون تحریمی علیه ایران توسط کنگره آمریکا به تصویب رسید؛ اتفاقی که تاکنون رخ نداده بود و تنها دستورات اجرایی رئیس‌جمهور و ارکان اجرایی کشور از جمله وزارت خزانهداری و وزارت امور خارجه نسبت به تحریم ایران اقدام کرده بودند. تحریم‌های کنگره با توجه به «قاعده برتری»^۱ که در بند دوم ماده ۶ قانون اساسی آمریکا ذکر شده است،^۲ پس از قانون اساسی دارای بالاترین قوه الزام‌آوری بوده و اصلاح آن تنها از طریق قانونی دیگر امکان‌پذیر است.

دوم؛ در این تحریم‌ها برای نخستین بار از سازوکار تحریم‌های ثانویه^۳ علیه ایران استفاده شد که در آن برای اشخاصی غیر از ارگان‌ها و اتباع آمریکایی در قبال همکاری با ایران مجازات تعیین می‌شد. به صورت کلی، تحریم‌های ثانویه تحریم‌هایی هستند که بر اشخاص حقیقی یا مؤسساتی اعمال می‌گردد که در فعالیت‌های غیرقابل قبول دولت آمریکا حضور دارند.^۴

در این تحریم که «قانون عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ایران و عراق»^۵ نام دارد، ضمن منع دولت و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی از فروش هرگونه سلاح و همچنین مواد و تکنولوژی قابل به‌کارگیری در فناوری اتمی، در بخش ۱۶۰۴ و ۱۶۰۵ قانون علیه دولت‌ها و اشخاصی که سلاح‌های کشتار جمعی به ایران و عراق می‌فروشند یا زمینه دستیابی این دو کشور به سلاح‌های مذکور را فراهم می‌نمایند، دو سال محدودیت انعقاد هرگونه قرارداد با آن شخص اعمال می‌گردد و همچنین دولت از پرداخت هرگونه کمک مالی به وی به مدت یک سال محروم خواهد شد. کلینتون با پی بردن به اهمیت صنعت نفت و گاز ایران در تولید ناخالص داخلی و وابستگی اقتصادی ایران به این صنعت، در دستور اجرایی ۱۲۹۵۷، کلیه اشخاص آمریکایی یا اشخاص حقوقی که تحت مالکیت یا کنترل اشخاص آمریکایی هستند را از ورود مستقیم یا تضمین قراردادهای اجرایی یا نظارت در صنعت نفت و گاز یا تأمین مالی و توسعه این صنعت منع نمود.^۶ همچنین با ارائه تعریفی از شخص آمریکایی،^۷ کلیه شهروندان خارجی دارای اقامت دائم و شرکت‌ها و شعب خارجی تحت حاکمیت قوانین آمریکا را صراحتاً شخص آمریکایی خواند تا توسعه‌ای بر مضمولین قوانین و مقررات تحریمی آمریکا باشد. همچنین با صدور دستور اجرایی ۱۲۹۵۹ در ماه می همان سال، هرگونه واردات از ایران و یا صادرات به آن کشور را منع

1. Supremacy Clause

2. Constitution Annotated, ArtVI.1

3. Secondary Sanctions

4. Secondary Sanctions' Implications and the Transatlantic Relationship, 2019

5. Iran-Iraq Arms Nonproliferation Act

6. Executive Order No. 12957, 1995

7. United States Person

نمود. صادرات مجدد کالاهای آمریکایی به ایران نیز ممنوع اعلام گردید، بدون آنکه ضمانت اجرای حقوقی برای دولت متخلف شناسایی شده باشد. البته در صورتی که کالاهای صادرات مجدد شده در کشور ثالث تغییرات اساسی نموده باشد، صادرات آن از نظر این دستور اجرایی بلااشکال تلقی می‌شد. حسب این دستور اجرایی، هرگونه سرمایه‌گذاری اشخاص آمریکایی با همان تعریف مشابه دستور اجرایی ۱۲۹۵۷، در کشور ایران یا دارایی‌های تحت مالکیت دولت ایران ممنوع اعلام گردید. دستورات اجرایی ۱۲۶۱۳ و ۱۲۹۵۷ ملغی گردیده و این دستور اجرایی که دارای شمول بالاتری در کلیه بخش‌های اقتصادی ایران است، جایگزین آن شد.^۱

قانون تحریم‌های ایران و لیبی که در سال ۲۰۰۶ با حذف نام کشور لیبی به مدت ۱۰ سال و در سال ۲۰۱۶ نیز به مدت ۱۰ سال دیگر تمدید گردید، اقدام کنگره آمریکا برای تکمیل پازل دولت کلینتون در دستور اجرایی ۱۲۹۵۷ و منع افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد ایران به حساب می‌آمد. نسخه نخست این قانون در بخش 5-a مبلغ ۴۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی آمریکایی یا غیرآمریکایی در صنعت نفت و پتروشیمی ایران را منع می‌نمود؛ لیکن، این میزان نیز در سال ۲۰۰۶ به ۲۰ میلیون دلار کاهش یافته و به لحاظ دامنه کالا و خدمات نیز به وسیله قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه در سال ۲۰۱۲ تغییرات وسیعی یافت که در ادامه بیان خواهد شد. طبق بخش ششم قانون، در صورتی که اشخاص، که صراحتاً در بخش 14-14 قانون هیچ محدودیتی نسبت به آمریکایی یا غیرآمریکایی، دولتی یا غیردولتی و حقیقی یا حقوقی بودن ندارد، محدودیت مقداری فوق را نقض نموده و سرمایه‌گذاری بیشتری در صنعت نفت و گاز ایران نمایند، مشمول حداقل ۳ مورد از ۶ تحریم ذیل می‌شدند که البته این حداقل مقداری نیز در قانون اصلاحی سال ۲۰۱۲ ایران و سوریه به ۵ مورد افزایش یافت:^۲

- ۱) بانک صادرات واردات آمریکا از اعطای هر تضمین، بیمه و اعتبار به شخص تحریمی در راستای انجام صادرات خودداری نماید.
- ۲) عدم صدور مجوز صادرات کالا و خدمات توسط شخص تحریمی از آمریکا نسبت به مواردی که نیازمند أخذ مجوز است.
- ۳) منع اعطای وام توسط مؤسسات مالی آمریکا به شخص تحریمی.
- ۴) منع بانکی برای مؤسسات مالی مشمول تحریم در دو بخش منع عاملیت پرداخت بدهی دولت آمریکا و منع نگهداری بودجه آمریکا و نمایندگی این دولت.
- ۵) منع ورود هرگونه کالا یا خدمت به آمریکا توسط شخص تحریمی.

1. Executive Order No. 12959, 1980

2. Iran and Libya Sanctions Act, 1996

۶) هرگونه تحریم اضافی به تشخیص رئیس جمهور.

در سال ۲۰۰۰ قانون عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی توسط ایران که با تگ تحریمی (IRAN) شناخته می‌شود، با رویکردی سیاسی توسط کنگره تصویب شد.^۱ طی این قانون رئیس جمهور موظف بود لیستی از اشخاص غیرآمریکایی که در زمینه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ایران فعالیت داشتند را تهیه نموده و به یکی از سه مجازات منع واردات به آمریکا، منع فروش جنگ‌افزار و منع فروش کالاها و خدمات با کاربرد دوگانه محکوم نماید. همچنین در این قانون، کنگره به عملکرد کشور روسیه در زمینه توسعه سلاح هسته‌ای ایران حساس شده و رئیس جمهور را موظف به تحقیق در این زمینه نمود. نخستین ظهور لیست اتباع ویژه مورد تعیین^۲ در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۵ میلادی رخ داد؛ زمانی که آمریکا به بهانه تولید سلاح‌های کشتار جمعی سازمان انرژی اتمی ایران، «گروه صنعتی شهید همت» و «گروه صنعتی شهید باکری» را طی دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ مورد تحریم قرار داده و به صورت مداوم بر آن افزوده است.^۳ همچنین طبق این دستور اجرایی، وزارت خزانه‌داری مسئولیت اجرایی رصد اشخاص حقیقی و حقوقی ناقض قوانین و مقررات تحریمی آمریکا را برعهده دارد و به این واسطه وزارت خزانه‌داری و مشخصاً معاونت تروریسم و اطلاعات مالی^۴ نقش فعالی در عرصه تحریم آمریکا و گسترش آن ایفا نموده است. در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۰۶ اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا نظام ارزی U-Turn را بر ایران محدود نمود. آمریکا در دهه نود، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تحت صلاحیت قضایی این کشور را از ورود به معاملات مالی با ایران منع نمود؛ لیکن، این رویه در بانکداری بین‌الملل وجود داشت که یک بانک آمریکایی وجوه دلاری را از طریق فدرال رزرو به یک بانک غیرآمریکایی و خارج از صلاحیت قضایی این کشور منتقل می‌کرد و کلیه پرداخت‌های دلاری بین بانک ایرانی و بانک‌های دیگر کشورها (غیر از بانک‌های آمریکایی که هیچ‌گونه همکاری با ایران نداشتند) با ارزش دلار از طریق بانک واسط انجام می‌شد. در همان تاریخ وزارت خزانه‌داری به بهانه فعالیت مالی بانک صادرات ایران در عملکرد مالی حزب الله لبنان و سایر گروه‌های تروریستی، کلیه بانک‌ها را از تراکنش دلاری با این بانک منع نمود. این نخستین تحریم مستقیم یک بانک ایرانی از دسترسی‌های ارزی و امکان انجام تراکنش مالی در تاریخچه تحریم‌هاست. لازم به ذکر است که در این مصوبه هیچ‌گونه استثنائی برای تراکنش‌های مربوط به امور کشاورزی، دارو و وسایل پزشکی ذکر نشده است.^۵ (براتی و ترابی، ۱۴۰۰). سلسله تحریم بانک‌های ایرانی با تحریم بانک صادرات آغاز گردید و بانک سپه ایران و کلیه شعب آن در ایران و جهان

1. Iran Nonproliferation Act, 2000

2. Specially Designated Nationals List (SDN)

3. Executive Order No. 13382, 2005

4. Terrorism and Financial Intelligence

5. Treasury Cuts Iran's Bank Saderat Off From U.S. Financial System, 2006

از جمله یک شعبه وابسته به این بانک در انگلستان در ژانویه ۲۰۰۷، بانک ملی ایران و شعب داخلی آن، بانک ملی روسیه، بانک ملت، آراین بانک (بانک مشترک ملی و صادرات در کابل)، بانک ملی ایران در لندن، بانک ملت، بانک ملت ارمنستان، بانک پرسیا (وابسته به بانک ملت در شهر لندن) و بانک کارگشایی در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۷ و با استناد به دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ و مجدداً بانک صادرات به استناد دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ در همین تاریخ تحریم شدند. کمتر از شش ماه بعد در مارس ۲۰۰۸ آراین بانک بحرین که بانک مشترک بانک ملی و صادرات در این کشور بود نیز تحریم شد. بانک توسعه صادرات هم به بهانه همکاری با وزارت دفاع و پشتیبانی از نیروهای مسلح ایران تحریم گردید. سنگ اصلی در مسئله تحریم در واپسین ماه‌های سال ۲۰۰۸ یعنی ششم نوامبر به بدنه بانک‌های ایرانی به عنوان بازوی اصلی و رسمی نقل و انتقالات تجاری ایران برخورد نمود. در این تاریخ اداره تروریسم و اطلاعات مالی آمریکا با لغو مجوز فعالیت بانک‌های خارجی با بانک‌های ایرانی از طریق U-Turn، دسترسی کلی ایران به نظام پرداخت دلاری را قطع نمود. در اطلاعیه وزارت خزانه‌داری، تاریخ اعمال این منع دسترسی ۱۰ نوامبر ذکر شده است. آمریکا دسترسی U-Turn بانک‌های ایرانی را در سال ۲۰۰۶ قطع کرده بود، ولی حسب مفاد مقررات فدرال شماره 560.516 این امکان وجود داشت که مؤسسات مالی آمریکا با اخذ مجوز خاص از وزارت خزانه‌داری، اقدام به انجام حواله‌های دلاری بانک‌های ایران نمایند.^۱ این دسترسی به اطلاعیه وزارت خزانه‌داری در سال ۲۰۰۸ مسدود گردید و بانک‌های ایرانی از دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم (به واسطه یک مؤسسه مالی غیرآمریکایی) به نظام مالی دلار محروم شده و به معنای دیگر امکان برخورداری از متداول‌ترین ارز در تراکنش‌های تجاری خُرد و کلان را از دست دادند.

❖ پ. از قانون CISADA تا به امروز

قانون جامع تحریم‌های ایران، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۰ توسط دولت اواما و در پی تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت سازمان ملل متحد، توسط کنگره آمریکا به تصویب رسید. این قانون پس از بیان برخی یافته‌های ادعایی آمریکا و دلایل و توجیحات اعمال تحریم‌ها، اقدام به افزایش دامنه شمول تحریم‌های قانون ISA مصوب ۱۹۹۶ می‌نماید. حسب قانون جدید، موارد تحریمی توسط رئیس جمهور از شش مورد مذکور در بخش مربوطه در این مقاله به ۹ مورد افزایش یافت. این سه مورد به شرح زیر است:^۲

(۱) **تبادلات ارزی؛** منع تبادلات ارزی با بانک‌های در صلاحیت قضایی آمریکا،

(۲) **تراکنش‌های بانکی؛** منع انجام هرگونه تراکنش بانکی با بانک‌هایی که در صلاحیت قضایی آمریکا

هستند،

1. 31 CFR 560.516

2. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, Divestment Act, 2010, Sec 102. b

۳) **جابجایی اموال و دارایی‌ها؛** هرگونه نگهداری، استفاده، انتقال، صادرات و واردات اموالی که در حوزه قضایی آمریکا است، نسبت به اشخاص تحریمی قابلیت ممنوع شدن دارد. رئیس جمهور مختار است سه مورد از موارد سه‌گانه مذکور در این بند و شش مورد مذکور در قانون ISA نسبت به اشخاص تحریمی و خاطی که به شرح زیر است را اعمال نماید:^۱

۱. منع سرمایه‌گذاری‌هایی که مستقیماً موجب افزایش توان ایران در توسعه میادین نفتی شود، به میزان حداکثر ۲۰ میلیون دلار سالیانه و ۵ میلیون دلار ماهیانه.
۲. منع ارائه هرگونه کالا، خدمات، اطلاعات و تکنولوژی موجب گسترش تولید داخلی فرآورده‌های نفتی ایران با ارزشی بیش از یک میلیون دلار در هر قرارداد یا مجموعاً ۵ میلیون دلار در سال.
۳. منع صادرات فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین به ایران، به میزان بیش از ۱ میلیون دلار در هر قرارداد یا ۵ میلیون دلار در سال،
۴. هرگونه صادرات کالا، خدمات یا فناوری به ایران به منظور توسعه سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی یا هسته‌ای.

نکته بسیار مهم و کلیدی در این قانون، تسری تحریم‌های آمریکا به مؤسسات مالی است که در کارسازی تراکنش‌های مربوط به ایران و فعالیت‌های خاص دخالت دارند. در بخش (c) 104 این قانون کلیه مؤسساتی که در تسهیل تلاش‌های دولت ایران، سپاه پاسداران، بانک مرکزی ایران و سایر مؤسسات مالی ایرانی برای انتقالات مالی مربوط به دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از سازمان‌های تروریستی، تسهیل تراکنش‌های مربوط به افراد تحریم‌شده حسب مقررات شورای امنیت سازمان ملل، و فعالیت‌های پولشویی ایران فعالیت داشته و مبادرت به کارسازی تراکنش‌ها نمایند، از برخورداری از حساب کارگزاری در کشور آمریکا یا پرداخت از حساب‌های تحت صلاحیت قضایی آمریکا محروم می‌شوند. قانون جامع تحریم‌های ایران را می‌توان مهم‌ترین، گسترده‌ترین و اثربخش‌ترین سند تحریمی علیه ایران دانست. این سند علاوه بر آنکه به لحاظ حقوقی دارای ماهیت قانونی بوده و توسط کنگره آمریکا به تصویب رسیده و اعتباری بالاتر از دستورات اجرایی و دولت‌های مختلف مجری دارد، به وسیله مقررات اجرایی مفصلی موسوم به «مقررات تحریم‌های مالی ایران»^۲ تحکیم شده است.^۳ همچنین این قانون با کاهش شدید سطح سرمایه‌گذاری مجاز که در صنعت نفت تقریباً کارایی ندارد، مشکلات و آسیب بسیاری برای این صنعت اساسی کشور ایجاد نمود. نزدیک به دو سال بعد و در دسامبر ۲۰۱۱ قانون اختیارات دفاع ملی به تصویب کنگره رسید. بخش‌هایی از این قانون با تسری حدود قانون جامع

1. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, Divestment Act, 2010, Sec 102. (a)5 1-3

2. Iranian Financial Sanctions Regulations (IFSR)

3. 31 CFR Part 561

تحریم‌های ایران ۲۰۱۰ و با تصریح بر عملکرد مبتنی بر پول‌شویی بانک مرکزی ایران و کلیه مؤسسات مالی این کشور، در صورتی که مؤسسه مالی خارجی به صورت آگاهانه^۱ مبالغ قابل توجهی از تراکنش‌های مالی بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی ایرانی که وزارت خزانه‌داری تعیین می‌کند، انجام دهد، مشمول تحریم در افتتاح حساب کارگزاری در آمریکا و کلیه بانک‌های تحت صلاحیت قضایی این کشور خواهد شد. البته در همان بخش، تراکنش‌های مربوط به حوزه غذا، دارو و تجهیزات پزشکی استثناء گردیده و بانک‌ها و مؤسسات خارجی می‌توانند بدون نگرانی در صورت انجام ارزیابی‌های موشکافانه، نسبت به انتقال وجوه مربوط به این نوع معاملات اقدام نمایند.

قانون فوق به صورت سالیانه تمدید گردیده و آخرین نسخه آن نیز در سال ۲۰۲۴ مسائلی را در ارتباط با برخی کشورها از جمله ایران، عراق و سوریه به عنوان راهبرد کلی کنگره ابلاغ نموده و نسخه مربوط به سال آتی نیز در دست اقدام برای اخذ تصویب در سنای آمریکا و طی مراحل قانونی است.^۲ سال ۲۰۱۲ قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه به تصویب رسید. این قانون که عنوان اولیه آن نیز گسترش رژیم تحریم‌های چندجانبه علیه ایران بود، درصدد گسترش تحریم‌های ایران در زمینه هسته‌ای و اشاعه سلاح و همچنین گسترش حوزه و دامنه تحریم میان دولت‌های مختلف بود. در بخش ۱۰۲ این قانون، رئیس‌جمهور و نمایندگان وی موظف گردیده‌اند از طرق دیپلماتیک و از طریق مذاکره با سایر کشورها، از پهلوگرفتن کشتی‌های ایرانی در بنادر و هواپیماهای ایرانی در فرودگاه خود به جهت همکاری در زمینه اشاعه سلاح‌های هسته‌ای ایران خودداری نمایند. البته این امر هرگز به صورت کامل محقق نشد.^۳ همچنین این قانون، بخشی از قانون جامع تحریم‌های ایران ۱۹۹۶ را توسعه داده است. به عنوان مثال، در بخش 201(a) این قانون، حداقل تحریم‌های مجازات‌محور را به پنج مورد افزایش داده است، چیزی که پیش از این، سه عدد بود. همچنین سرمایه‌گذاری ممنوع در صنایع نفتی به زیرساخت‌های بندری و راه‌آهن برای تحویل این محصولات نیز توسعه یافت. در بخش ۲۰۲ این قانون نیز دو گروه موضوع تحریم به گروه‌های موجود در قانون جامع تحریم افزوده شد: (۱) انتقال‌دهندگان نفت خام ایران؛ اشخاص مالک کشتی‌های حامل نفت ایران، (۲) اشخاصی که عملیات یا کنترل بیمه کشتی‌های مزبور را برعهده گیرند. حسب بند ۲۰۴ قانون نیز تعداد تحریم‌هایی که رئیس‌جمهور بایستی حداقل پنج مورد آن را انتخاب می‌کرد، از ۹ مورد به ۱۲ مورد افزایش یافت. در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ با حضور ایران و سران کشورهای ۱+۵، برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام^۴ میان ایران و طرف‌های خارجی با محوریت دست‌شستن ایران

1. Knowingly

2. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2024, 2024

3. Shipping and World Trade: World Seaborne Trade

4. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

از برنامه‌های هسته‌ای، غنی‌سازی بالاتر از ۳/۶۷٪ و افزایش تعداد سانتریفیوژها از تعدادی مشخص در قبال صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت و رفع تدریجی تحریم‌های مرتبط با حوزه هسته‌ای منعقد شد. این توافق‌نامه با خروج آمریکا از برجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ و بازگشت کلیه تحریم‌های رفع‌شده ایالات متحده وارد فاز متفاوت و نیمه‌مرده شد. سال ۲۰۱۹ با یک حرکت جدید در توسعه دایره صنایع تحریمی ایران همراه بود. دستور اجرایی ۱۳۸۷۱ در ماه می این سال صادر گردید. این دستور اجرایی با هدف نشانه رفتن بخش مهمی از اقتصاد ایران یعنی صنعت فلزات اساسی شکل گرفت. در این تحریم که پس از خروج آمریکا از برجام و به‌مثابه بخشی از سوءتئیت این دولت در تعاملات حقوق بین‌المللی خود، با شدت بیش از سایر دستورات اجرایی، فارغ از احکام کلی قوانین و مقررات فدرال آمریکا مانند آنچه در بخش b از مجموعه مقررات تحریم‌های مالی ایرانیان^۱ بخش ۲۰۱-۵۰۱ در خصوص منع دسترسی به حساب‌های کارگزاری ارزی در بانک‌های آمریکایی ذکر شده و توسط اداره خزانه‌داری قابل اعمال است، کلیه دارایی‌های اشخاصی که در خرید، فروش، حمل‌ونقل، کارسازی و جابجایی فلزات آهن، فولاد، آلومینیوم و مس فعالیت دارند، بلوکه خواهد شد.^۲ دومین دستور اجرایی دولت ترامپ که به صورت مشخص عرصه اقتصادی ایران را هدف قرار می‌داد، ناظر بر توسعه تحریم‌های بخشی بود که در دستور اجرایی ۱۳۸۷۱ ایجاد شده بود. این دستور اجرایی که در ابتدای سال میلادی ۲۰۲۰ به تصویب رسید، معادن، ساخت‌وساز و صنعت نساجی ایران را هدف قرار داد و اموال کلیه اشخاصی که در کارسازی، تراکنش‌های مالی، خرید، فروش، نقل‌وانتقال و تأمین کالاها و خدمات مربوط به حوزه مزبور فعالیت دارند را از تاریخ صدور دستور اجرایی بلوکه نمود.^۳

این دستور اجرایی دارای دو مشخصه مهم نیز می‌باشد: نخست؛ اداره خزانه‌داری آمریکا با مشورت وزارت خزانه‌داری می‌تواند نسبت به اضافه نمودن بخش دیگری از اقتصاد ایران به مجموعه فوق‌الذکر اقدام نماید. همچنین حسب بخش ۱۱ این دستور اجرایی، این دستور به هیچ‌عنوان نباید به اجرا یا تسهیل تراکنش‌های مالی مربوط به تجارت و خرید و فروش کالاهای کشاورزی، غذا، دارو یا تجهیزات پزشکی (البته با رعایت سایر شرایط قانونی) آسیب وارد نماید. آنچه بیان شد مروری بر نظام حقوقی آمریکا در بخش فدرال در زمینه تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بود.

۳. ارتباط تحریم‌ها با نقض حقوق بشر

اثراگذاری تحریم‌های آمریکا بر نظام اقتصادی ایران و به‌تبع حقوق بشر مرتبط با مردم ایران در زمینه

1. Iranian Financial Sanctions Regulations (IFSR)

2. Executive Order No. 13871, Sec. 1

3. Executive Order No. 13902, 2020

اقتصادی را می‌توان به دو بُعد مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. برخی تحریم‌ها به صورت مستقیم باعث آسیب به حقوق مزبور شده و در نتیجه غیرمشروع هستند. برخی موارد نیز وجود دارد که با یک واسطه به حقوق بشر اقتصادی مردم ایران آسیب می‌رسانند، ولی این آسیب به حدی جدی است که می‌توان آن را منتسب به دولت آمریکا و نقض تعهد آن کشور دانست. نخست؛ آن دسته از اعمال که مستقیماً حقوق بشر اقتصادی مردم ایران را سلب نموده است و دوم آن دسته از عملکردهای دولت آمریکا که با واسطه موجب نقض حقوق بشر اقتصادی ایرانیان شده است. پیش از ورود به هر دو عنوان، لازم است مفهوم «حقوق بشر اقتصادی» تبیین گردد تا از رهگذر آن، بتوان مصادیق را تشخیص داده و به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر این مصادیق پرداخت. «حقوق بشر را می‌توان به طور کلی آن دسته از حقوق تعریف کرد که طبیعت ذاتی ما باشد و بدون آن نمی‌توان به عنوان انسان زندگی کنیم» (شایگان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱). دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز حقوق بشر را حقوقی می‌داند که به واسطه انسانیت انسان از آن برخوردار بوده و توسط هیچ دولتی اعطاء نشده است. به تناسب و با توجه به عرف علمی حقوق بشر اقتصادی نیز «نسل دوم» از حقوق بشر محسوب می‌شوند. «زمانی که به حقوق بشر نسل دوم یا حقوق مثبت اشاره می‌گردد، حقوق اقتصادی یا اجتماعی نظیر حق کار به ذهن متبادر می‌شود که افراد یا گروه‌ها را در برخورداری از برخی کالاها یا خدمات اجتماعی مستحق تلقی می‌کند» (Tomuschat, 2008). میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد را می‌توان تبلور این نسل از حقوق بشر دانست که در آن برخلاف میثاق دیگر که برخی ممنوعیت‌ها در ارتباط با مردم را بر دولت‌های عضو تحمیل می‌نمود، جنبه ایجابی داشته و برخی تکالیف عملیاتی را نیز برای آن‌ها مشخص می‌نماید. به همین دلیل است که حقوق مذکور در این بخش را «حقوق مثبت» نیز می‌نامند. حقوق بشر اقتصادی محدود به این بخش نبوده و حق بر توسعه از نسل سوم حقوق بشر که حقوق پیچیده‌تری نیز هستند را دربرمی‌گیرد. بنابراین، حقوق بشر اقتصادی، آن دسته از حقوق انسان‌ها هستند که به واسطه انسان بودن اشخاص، فارغ از رنگ و نژاد و ملیت و سایر وجوه تمایز غیراختیاری در زمینه زیست اقتصادی و معیشت فردی و اجتماعی ایشان وجود دارد؛ بدون آنکه هیچ دولتی آن دسته از حقوق را به ایشان اعطاء نموده باشد.

❖ الف. تأثیرات مستقیم تحریم بر نقض حق‌ها و تعهدات

تأثیرات مستقیم تحریم بر حقوق بشر اقتصادی ناظر بر آن دسته تأثیراتی است که به دلیل تحریم‌های اقتصادی آمریکا و بدون آنکه متغیر دیگری در میان باشد، بر حقوق بشر اقتصادی تبعات منفی ایجاد نموده است. مهم‌ترین تأثیرات مستقیم تحریم‌های آمریکا بر نقض حقوق بشر اقتصادی ایرانیان، اعم از ایرانیان ساکن سرزمین یا ایرانیان مهاجر و شهروندان دیگر دولت‌ها به شرح زیر است:

❖ **حق بر مالکیت:** حق بر مالکیت یکی از حقوق اساسی بشر بوده که امروزه در کلیه ملل

تمکین‌کننده به قانون، این حق محترم شمرده شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۷ چنین بیان می‌دارد:

۱) هر شخص به تنهایی یا همراه دیگران حق مالکیت دارد.

۲) هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

مسئله به قدری واضح است که کلیه سازمان‌های بین‌المللی نیز در اسناد بالادستی خود به آن اشاره دارند. از جمله اتحادیه آفریقا در ماده ۱۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها، سازمان کشورهای آمریکایی در ماده ۲۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اتحادیه اروپا در ماده ۱۷ منشور حقوق اساسی، همگی بر لزوم احترام کامل به حق مالکیت، ممنوعیت نقض غیرقانونی آن و لزوم پرداخت غرامت در صورت نقض مالکیت اشاره واضح دارند.

تحریم‌های دولت آمریکا را می‌توان در ابعاد مختلفی ناقض حق ایرانیان بر مالکیت بر اموال خود دانست:

- توقیف اموال شرکت‌های دولتی و غیردولتی ایران در متن تحریم‌ها،

- عدم تحویل برخی اموال خریداری‌شده توسط دولت ایران و شرکت‌های ایرانی به بهانه وقوع انقلاب و تغییر رژیم حاکم،

- توقیف کشتی‌ها و اموال بازرگانی به صورت نوبه‌ای،

- توقیف اموال یک شخص به بهانه اضافه شدن به لیست SDN،

- واگذاری اموال توقیف‌شده توسط دادگاه‌های آمریکایی به عنوان بهای خسارت مدعیان آمریکایی نزد دادگاه،

- توقیف برخی تجهیزات تحریمی خریداری‌شده توسط شرکت‌های ایرانی پس از کشور مقصد و خریدار نهایی کالا.

همه موارد فوق‌الذکر با در نظر گرفتن عدم دسترسی ایرانیان به دادرسی عادلانه تشدید گردیده و آثار منفی نقض حق بر مالکیت ایرانیان به واسطه تحریم‌های آمریکا را دوچندان می‌نماید.

♦ **حق برداشت از منابع طبیعی و حاکمیت بر آن:** بند دوم از ماده (۱) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل با تأکید بر ممنوعیت محروم نمودن کشورها از وسیله معاش خود، چنین بیان می‌دارد: «کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود بدون اخلال به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه، هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد». اعلامیه نظم نوین اقتصاد بین‌المللی نیز که به موجب قطعنامه ۳۲۰۱ مجمع عمومی سازمان ملل صادر گردید، علاوه بر تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود و حق اعمال آن، دولت‌ها را متعهد به کاهش

حداکثری اتلاف منابع طبیعی می‌نماید.^۱ در مسئله تحریم، ایران علاوه بر آنکه به صورت مستقیم از حق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای خود محروم گردیده و حسب مقررات تحریمی، صادرات هرگونه کالای مرتبط با صنایع هسته‌ای و حتی صادرات تجهیزات با مصارف دوگانه به ایران ممنوع است، که خود بر کاهش سطح توسعه نیروگاه‌ها و پژوهشگاه‌های هسته‌ای مؤثر است، از بهره‌برداری از سایر منابع طبیعی کاملاً مسالمت‌آمیز نیز محروم مانده است. نفت و گاز که حسب اصل ۴۵ قانون اساسی (به عنوان یک ماده معدنی) بخشی از ثروت‌های عمومی دانسته شده است، با تحریم‌های گسترده آمریکا که بسیاری اوقات دارای صراحت منع صادرات تجهیزات نفتی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری در زمینه نفت و گاز در ایران است (مانند قانون جامع تحریم‌های ایران و قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه)، مانع توسعه صنایع نفت و گاز در ایران شده است. این مسئله علاوه بر آنکه ناقض حق مردم ایران در بهره‌برداری از منابع طبیعی خود است، موجب قطعی گاز صنایع در فصل زمستان و کسری ساختاری انرژی در کشور شده که به توسعه اقتصادی کشور، درآمد مردم و رفاه آنها آسیب وارد می‌آورد.

♦ **حق بر توسعه اقتصادی:** حق بر توسعه که به مثابه بخشی از حقوق نسل سوم بشر یا حقوق همبستگی^۲ تلقی می‌شود، گامی نوین در تعالی حقوق بشر به حساب می‌آید. «ویژگی اساسی حقوق نسل سوم این است که آن‌ها صرفاً با تلاش همه عوامل اجتماعی، یعنی افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی و خصوصی و جامعه بین‌المللی، تحقق خواهند یافت» (صالحی و درگاهی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷). حق بر توسعه نخستین بار در قطعنامه ۳۶/۱۳۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۱ مطرح گردید. هرچند نخستین طرح مسئله، بدون تصویب حق بر توسعه، توسط وزیر خارجه سنگال و در سال ۱۹۶۶ صورت پذیرفت (فیروزی، ۱۳۹۶، ص ۷۱). در قطعنامه ۴۱/۱۲۸ سازمان ملل که به اعلامیه «حق توسعه»^۳ مشهور است، تعریف حق بر توسعه چنین آمده است: «حق بر توسعه یک حق بشری غیرقابل انتقال است که طبق آن هریک از انسان‌ها و کلیه ملت‌ها از حق مشارکت، مساعدت و بهره‌مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخوردار می‌باشند...». توسعه اقتصادی در زبان اقتصاددانان توسعه عمدتاً مسئله‌ای فراتر از برخورداری از امکانات فیزیکی بوده و بیانگر وضعیتی ذهنی نیز می‌باشد. با همین مبنا یکی از اقتصاددانان مشهور، توسعه اقتصادی را مشتمل بر حداقل سه ویژگی می‌داند:

(۱) افزایش دسترسی به نیازهای اساسی (غذا، مسکن، بهداشت). (۲) ارتقای سطح زندگی از طریق اشتغال و درآمد بهتر. (۳) گسترش دامنه انتخاب‌های فردی و جمعی از طریق آزادی‌های سیاسی و فرهنگی. (Todaro, 2020, p. 13).

1. Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, 1974, par. 4-q.

2. Collective Rights

3. Declaration on the Right to Development

همین رویکرد در بسیاری از آثار اقتصاد توسعه مختلف دیگر نیز مشهود است. بنابراین، مسئله توسعه، مسئله‌ای فراتر از رشد اقتصادی که عمدتاً بر معیارهای مالی و کمی نظیر درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی^۱ متمرکز است، می‌باشد. آنچه در موضوع حاضر یعنی تحریم‌های اقتصادی قابل تأمل است، این حقیقت تلخ است که تحریم علاوه بر تأثیرگذاری مشهود بر کاهش سهم ایران در کیک اقتصادی جهانی و کاهش درآمد سرانه ایرانیان، رشد شاخص‌های غیرکمی توسعه مانند دسترسی به آموزش و بهداشت را با مشکل مواجه می‌سازد.

❖ ب. تأثیرات غیر مستقیم تحریم بر نقض حق‌ها و تعهدات

در تأثیرات غیر مستقیم، تحریم به خودی خود عامل اصلی بروز مشکلات اقتصادی یا مسائلی که در حقوق اقتصادی اشخاص حقیقی یا بنگاه‌ها و اشخاص حقوقی اثرگذار است، نمی‌باشد، بلکه با تأثیر بر برخی مسائل ساختاری، متغیرهای اقتصادی و یا کارکردهای فرایندی موجب بروز سوء اثر در حقوق بشر اقتصادی مردم می‌گردد.

۱) **حق بر دادرسی عادلانه:** حق بر دادرسی عادلانه یکی از اصول بنیادین هر نظام حقوقی است که بسیاری از اصول حقوقی دیگر مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق مراجعه به دادگاه، اصل برابری در برابر قانون و... یا از آن نشأت گرفته و یا پیوندی عمیق با این اصل دارد. در اسناد حقوق بشری نیز به این اصل اشاره شده است؛ مواد ۶ الی ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به اصولی مانند حق شناسایی شدن در برابر قانون (ماده ۶)، برابری در مقابل قانون و عدم تبعیض (ماده ۷) و حق دادرسی نسبت به نقض حقوق اساسی (ماده ۸) اشاره دارد که همگی دالّ بر شبکه اصولی دادرسی عادلانه هستند. همچنین مواد ۱۴ الی ۱۶ میثاق بین‌المللی مدنی سیاسی به تفصیل مسئله حق شناسایی شدن در برابر قانون و در هر کجا (ماده ۱۶)، اصل عدم عطف به‌ماسبق شدن در عناوین کیفری (ماده ۱۵)، دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه و شرایط و لوازم چنین دادرسی (ماده ۱۴) اشاره دارد. چنین اشاره تفصیلی ناظر بر دادرسی عادلانه در اسناد بالادستی و اساسی حقوق بشر بین‌الملل، نشان از جایگاه ویژه و حائز اهمیت آن در حقوق بین‌الملل دارد. این اهتمام دور از منطقی نیز نمی‌باشد؛ چه اینکه تحقق بسیاری از اهداف حقوقی نظام بین‌الملل در درجه اول حاصل حُسن عملکرد دولت‌ها بوده که ضمانت اجرای آن نظامی عادلانه و بی‌طرفانه در رسیدگی قضایی چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی است. آنچه می‌توان به عنوان اثر تحریم‌های آمریکا در نقض حق بر دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه شناسایی نمود، اثری غیرمستقیم است؛ بدین صورت که امروزه بسیاری از مراجع بین‌المللی رسیدگی مانند دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی برای ثبت دعوا و همچنین در جریان رسیدگی شامل هزینه‌هایی هستند که به واسطه

1. GDP

تحریم‌های بانکی، امکان انتقال مستقیم پول به حساب معرفی شده توسط ایشان وجود ندارد. مثال دیگر اینکه، به دلیل تحریم‌ها امروزه بسیاری از شرکت‌های تولیدی و بازرگانی ایران برای تسهیل امر تجارت و ترغیب طرف‌های خارجی، اقدام به ثبت شرکت‌های کاغذی نموده‌اند. این شرکت‌ها هیچ ارتباط مستقیمی با شرکت مادر نداشته و به لحاظ حاکمیت شرکتی کاملاً مستقل عمل می‌نمایند. در صورت ایجاد یک دعوا میان شرکت ایرانی و طرف خارجی با قراردادهایی که به اسم شرکت ایرانی منعقد گردیده، ولی اسناد تجاری و نقل و انتقال وجوه به نام شرکت کاغذی است، امکان دفاع به نفع طرف ایرانی به دلیل مغایرت شخصیت‌های حقوقی وجود نخواهد داشت. همچنین اثر مهمی که امروزه با وجود تغییر رویکرد آمریکا از تحریم‌های جامع به «تحریم‌های هوشمند» در نقض بر حق دادرسی عادلانه مشهود است، وارد نمودن اشخاص حقیقی/حقوقی به لیست SDN بدون اعطای فرصتی برای دفاع، ارائه مستندات و اخذ تهرئه است؛ رفتاری که برخلاف اصل ثابت‌شده و قطعی برائت می‌باشد.

۲) حق بر استراحت و برخورداری از اوقات فراغت: حق بر برخورداری از ساعات کار محدود و تعطیلات نوبه‌ای مسئله‌ای است که در ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر این چنین تصریح شده است: «هر کس حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذی‌حق است». یکی دیگر از آثار بالقوه تحریم‌های آمریکا به کاهش سطح درآمد مردم ایران بازمی‌گردد. حسب آمار بانک جهانی^۱ تولید ناخالص سرانه ایران که بیانگر درآمد یک کشور به ازای هر نفر است، از سال ۲۰۱۱ که مصادف با افزایش سطح تحریم‌های آمریکا، تصویب قانون CISADA و آغاز سخت‌گیری‌های این کشور بر صنعت نفت، گاز و پتروشیمی و سرمایه‌گذاری در این حوزه بود، به صورت مداوم کاهش یافته و نزدیک ۸۰ درصد تنزل یافت. طبیعتاً با کاهش سطح درآمد، اشخاص از میزان اوقات فراغت خویش کاسته و به ساعات فعالیت می‌افزایند تا سطح زندگی خویش را در مقدار سابق نگه دارند. این مسئله در اقشار ضعیف مشهودتر بوده و تأثیر بیشتری بر کاهش سطح استراحت مردم می‌گذارد.

۳) حق بر برخورداری از کار و حداقل دستمزد مناسب: بند ۲ و ۳ از اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق برخورداری از درآمد مساوی در شرایط مشابه و همچنین برخورداری از دستمزد منصفانه و عادلانه اشاره دارد. همچنین میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل نیز در ماده ۷ به تفصیل شرایط کار، دستمزد و حقوق کارگران که بایستی به عنوان یک اصل حقوق بشری توسط دولت‌ها رعایت گردد، اشاره نموده است. تحریم‌های آمریکا در دهه دوم قرن ۲۱ موجب کاهش چشمگیر درآمد نفتی ایران و به تبع تولید ناخالص داخلی و درآمد مردم ایران شد. این مهم موجب شد با وجود آنکه میانگین نرخ تورم

1. World Bank, GDP Per Capita, Iran, 2011-2019.

ایران از سال ۲۰۱۰، جز در یک بازه محدود اجرای توافق نامه برجام، به صورت میانگین بیش از ۳۰ درصد و حتی ۴۰ درصد بوده است (شاخص قیمت مصرف کننده کل خانوارهای کشور، ۱۴۰۳-۱۳۹۰)، افزایش حقوق سالیانه قشر کارگری طبق گزارش مرکز برنامه ریزی و اطلاعات راهبردی وزارت کار، میانگین افزایش حقوق کارگران از سال های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ تنها ۲۶ درصد بوده است (روند تغییر دستمزد کارگران در ۱۱ سال اخیر، ۱۴۰۱). بررسی میزان افزایش حداقل دستمزد پس از پایان جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۹۱ نشان دهنده تکافوی افزایش مزبور به نسبت نرخ تورم است؛ مسئله ای که فارغ از علل افزایش تورم، نشان دهنده ناتوانی دولت و بخش خصوصی در افزایش حقوق کارگران به میزان لازم است. این مسئله در گزارشات کمیته ناظر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به تأثیر سوء تحریم های اقتصادی بر کشورهای هدف تحریم تصریح نموده است (General Comment No. 8, 1997). همچنین مطالعه صورت گرفته دیگری نیز پس از بررسی تفصیلی و کمی سطح اشتغال کشور در بازه ۳۳ ساله ۱۳۵۸ الی ۱۳۹۱ نشان داد که «تحریم های اقتصادی گسترده ی جانبه دارای اثر منفی و به طور کامل معنادار بر اشتغال کشور در دوره مورد نظر بوده است؛ به گونه ای که سطح اشتغال در صورت وجود تحریم های گسترده یک جانبه، ۳ درصد کمتر از حالتی است که این نوع تحریم وجود نداشته باشد» (آماده و همکاران، ۱۳۹۳).

۴) حق بر خورداری از زندگی با استانداردهای مناسب سلامتی و رفاه: یکی دیگر از آثار غیر مستقیم اعمال تحریم های آمریکا علیه شهروندان ایران، نقض حق بر خورداری از زندگی با استانداردهای مناسب در حوزه سلامت و بهداشت است و همچنین رفاهیات است. بر خورداری از چنین استانداردهایی از جمله حقوق اساسی بشر است که در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدین صورت تبلور یافته: «هر کس حق دارد سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات الزام اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود». ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۴ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۱۲ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک نیز به لزوم بر خورداری اقشار مذکور از سلامت روحی و جسمی اشعار دارد. «تحریم های اقتصادی با اعمال ممنوعیت ها بر صادرات و واردات، مشکلاتی را بر تأمین مواد غذایی، آب آشامیدنی سالم، دارو و تجهیزات پزشکی، سوخت و... را برای کشور هدف ایجاد می کند و از این طریق بر حق سلامت که یکی از مظاهر آن استفاده مطلوب از محیط زیست است، اثر می گذارد» (مشهدی و رشیدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). به جرأت می توان یکی از اصلی ترین تأثیرات تحریم را بر حوزه سلامت و رفاه شهروندان ایرانی دانست. یکی از اصلی ترین موارد نقض حق بر

سلامت، کاهش چشمگیر دسترسی ایرانیان به برخی از داروهای تخصصی و گران‌قیمت است که اغلب دارای مبدا صادراتی اروپایی - آمریکایی هستند. به گزارش سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران (تأثیر تحریم‌های آمریکا بر دسترسی ایرانیان به دارو، بی‌تا)، تحریم‌ها در زنجیره ارزش دارو تأثیرات بسیاری دارد، از جمله: طولانی شدن دوره بیماری برخی از بیماران به دلیل مشکلات وارداتی، عدم دسترسی به برخی از داروها و افزایش مرگ‌ومیر ابقشار آسیب‌پذیر، افزایش ریسک ورود داروهای تقلبی، عدم دسترسی به شبکه بانکی و امکان انتقال رسمی وجوه دارویی، کاهش قدرت حمایت دولت از بیمه‌شدگان به دلیل کاهش درآمدهای دولتی که در ایران عمدتاً از نفت ناشی می‌شود،^۱ کاهش سطح سلامت خانواده‌ها به واسطه کاهش درآمد خانوار، عدم دسترسی به تجهیزات تولید داروهای داخلی^۲ و افزایش هزینه تمام‌شده برخی داروهای وارداتی به دلیل مشکلات دور زدن تحریم. این مسئله برون‌داد خارجی نمایشی و غیرواقعی بودن تبصره‌های بشردوستانه‌ای است که در تحریم‌های آمریکا نسبت به کالاها و خدمات بشردوستانه وجود دارد. علاوه بر گزارش سندیکای مذکور، سخنان مختلفی از مقامات رسمی دولت ایران از بالاترین مقام یعنی رهبر انقلاب تا وزیر بهداشت و سایر مقامات در زمینه تأثیرگذاری تحریم‌ها بر جریان واردات دارو، واکسن و تکنولوژی مربوطه ارائه شده که نشان از عدم اثرگذاری معافیت‌های مذکور در عمل است.^۳ در بُعد دیگر، تحریم‌های ثانویه آمریکا یعنی آن دسته از تحریم‌هایی که اشخاص، مؤسسات مالی و تاجرانی که با ایرانیان مرادات مالی یا تجاری دارند را مشمول جرایم مالی و محرومیت از تجارت با آمریکا می‌نماید، در تجارت غذایی ایران با بسیاری از کشورها تأثیرات منفی زیادی گذاشته است. با وجودی که ایران در زمینه کشاورزی خود تولیدکننده محسوب می‌شود، حسب اطلاعیه‌ای که در انتهای آبان ماه ۱۴۰۳ توسط مرکز مبادله طلا و ارز کشور به عنوان بازوی اجرایی بانک مرکزی در سیاست ارزی منتشر شده است، بالغ بر ۷/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی جهت واردات کالاهای اساسی که عمدتاً شامل گندم، دانه‌های روغنی و نهاده‌های دامی است، مصرف شده است.^۴ این در حالی است که با وجود بهانه آمریکا مبنی بر اعطای معافیت به واردات کالاهای بشردوستانه با توجه به دو دلیل، همچنان مبادلات مالی این تجارت از مسیر غیررسمی انجام می‌شود و

۱. لازم به ذکر است که حسب گزارش سندیکا، ۹۵ درصد مردم ایران از بیمه دولتی استفاده می‌نمایند.

۲. این مسئله ریشه در تحریم‌های بانکی و عدم امکان انتقال منظم وجوه، و به‌ویژه کاهش چشمگیر سطح سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع به واسطه منع تحریمی آمریکا دارد.

۳. برای مثال ر. ک فیش‌های سخنان رهبر انقلاب در زمینه تحریم‌های اقتصادی:

farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1226#121670

- سخنرانی بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت دولت سیزدهم: isna.ir/xdNVGJ

- سخنرانی محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت دولت چهاردهم: mehrnews.com/x365Sh

4. <https://B2n.ir/r92614>

مشمول هزینه‌های بالای تبدیل وجوه و ریسک‌های مختص حوزه تراستی است: الف) نامتوازن بودن نقشه تجاری کشور؛ بدین معنا که بخش زیادی از ارزش خارجی حاصل از صادرات کشور در قالب وجوه حاصل از تجارت نفت در کشور چین ایجاد می‌شود، حال آنکه واردات کالاهای اساسی از مبادی مانند روسیه، قزاقستان و برزیل صورت می‌گیرد. بنابراین، همچنان لازم است وجوهی برای واردات کالاهای اساسی مصرف شود که صادرات آن حسب قوانین و مقررات تحریمی آمریکا ممنوع بوده و در شبکه غیربانکی و اصطلاحاً تراستی نگهداری می‌شوند و هزینه نگهداری و انتقال آن برای خرید کالاهای اساسی تا چند برابر هزینه‌های استاندارد بانکی است.

ب) بیش‌برآورد^۱ تحریم‌ها توسط برخی تجار، بانک‌ها و واسطه‌های تجاری؛ این اصطلاح به وضعیتی گفته می‌شود که بیش از میزان لازم از ریسک‌های احتمالی پرهیز شود.^۲

دور از ذهن نیست که برخی فعالان اقتصادی عرصه بین‌الملل با هدف پرهیز از هزینه‌ها و مجازات‌های سنگین آمریکا، در تعامل با ایران بسیار محتاط بوده و حتی در زمینه کالاهای بشردوستانه نیز همکاری لازم را نداشته باشند. همین مسئله باعث می‌شود تاجر ایرانی برای واردات کالای اساسی از روش‌های غیررسمی متعارف استفاده نماید که هزینه و گاهاً دسترسی به کالا را با مشکل مواجه می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران، که از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تاکنون به شکل گسترده، طولانی و پیچیده اعمال شده است، نه تنها به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی، بلکه به مثابه عاملی نقض‌کننده حقوق بنیادین اقتصادی شهروندان ایرانی در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، عمل کرده است. این تحریم‌ها با محدود کردن دسترسی ایران به منابع مالی، تکنولوژی و بازارهای جهانی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم تأثیر گذاشته و حقوقی چون حق بر مالکیت، حق بر توسعه، حق بر سلامت و حق بر دسترسی به استانداردهای زندگی مناسب را نقض نموده است. بررسی تاریخی تحریم‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم ادعاهای بشردوستانه در قوانین آمریکا، عملاً معافیت‌های مذکور ناکارآمد بوده و حتی تحریم‌های «هوشمند» نیز با ایجاد موانع بانکی و تجاری، دسترسی به دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای اساسی را مختل کرده است. افزون‌بر این، تحریم‌های ثانویه و فشار بر مؤسسات مالی بین‌المللی، اقتصاد ایران را در چرخه‌ای از رکود، تورم و کاهش سرمایه‌گذاری قرار داده که

1. Over Compliance

2. Guidance Note on Overcompliance with Unilateral Sanctions and its Harmful Effects on Human Rights, n.d.

پیامدهای آن به وضوح در کاهش درآمد سرانه، افزایش نابرابری و محدودیت فرصت‌های شغلی مشهود است. از منظر حقوق بین‌الملل، این تحریم‌ها با اصول مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به ویژه حق بر بهره‌برداری از منابع طبیعی و حق بر توسعه، در تعارض است. همچنین، رویه قضایی بین‌المللی و اسنادی مانند اعلامیه حق توسعه، بر لزوم اجتناب از اقدامات یک‌جانبه‌ای که توسعه کشورها را تهدید می‌کند، تأکید دارند. با این حال، تحریم‌های آمریکا نه تنها منطبق با این اصول نیستند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تنبیه جمعی، مسئولیت‌های بین‌المللی این کشور را زیر سؤال می‌برند. در پایان، این مقاله بر ضرورت بازنگری جامعه بین‌المللی در مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه و لزوم همسویی آن‌ها با موازین حقوق بشری تأکید می‌کند. پیشنهاد می‌شود نهادهای نظارتی مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیته‌های ناظر بر میثاق‌ها، با بررسی دقیق تأثیرات انسانی تحریم‌ها، گام‌هایی برای الزام دولت‌ها به رعایت تعهدات بشردوستانه بردارند. همچنین، تعدیل یا لغو تحریم‌هایی که مستقیماً بر زندگی غیرنظامیان اثر می‌گذارند، نه تنها به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز گفتگوهای سازنده در حل مناقشات بین‌المللی خواهد بود.

منابع

- آماده، حمید؛ عزیزاده، امیرخادم؛ بقالیان، محبوبه (۱۳۹۳). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران. *راهبرد اقتصادی*.
- انصاریان، م. (۱۳۹۱). *تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه علیه ایران از دیدگاه حقوق بشر: آثار آن‌ها بر حقوق اقتصادی و توسعه*. رساله دکتری: دانشگاه پیام نور.
- براتی، مسعود؛ ترابی، سید حامد (۱۴۰۰). *جنگ اقتصادی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بیات، محسن (۱۳۹۱). تاریخ تحریم ایران؛ تحول در آسیب‌پذیری‌ها و ماهیت تحریم‌ها. *سیاست خارجی*، ۲۶(۴).
- تأثیر تحریم‌های آمریکا بر دسترسی ایرانیان به دارو. سندیکای صاحبان صنایع داروی انسانی ایران. قابل دسترس در: <https://B2n.ir/k17012>
- رجبی، محمد (۱۴۰۱). بررسی تحریم‌های بین‌المللی و موازین حقوق بشر (با تأکید بر تحریم‌های چندجانبه علیه ایران). *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، شماره ۲۴.
- روند تغییر دستمزد کارگران در ۱۱ سال اخیر. مرکز برنامه‌ریزی و اطلاعات راهبردی وزارت کار. *ایرنا*، ۱۴۰۱.
- زمانی، سید قاسم؛ غریب آبادی، کاظم (۱۳۹۶). تحریم‌ها به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر. *حقوق پزشکی*، شماره ۴۰.
- سیفی، جمال؛ حسنخانی، علی (۱۳۹۶). اقدامات متقابل در قبال تعهدات حقوق بشری. *پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۵۶.
- شاحیدر، عبدالکریم؛ دشتی، فرزانه (۱۴۰۱). برآورد اثر تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق بشر: موردکاوی حق بر توسعه. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، شماره ۲۵.
- شایگان، فریده و همکاران (۱۳۸۲). *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر*. تهران: نشر گرایش.
- صلح‌چی، محمد علی؛ درگاهی، رامین (۱۳۹۲). بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۵(۴۱).
- عمادی، سید محسن (۱۳۹۱). تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر. *سیاست خارجی*، ۲۶(۱).
- فرخ سیری، م. (۱۳۸۸). *مناسبات متقابل میان تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴). جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر. *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸.
- مافی، همایون (۱۳۹۴). تأملاتی در باب ضمانت اجرا از منظر حقوق بین‌الملل عمومی. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، شماره ۲.
- مشهدی، علی؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران بر محیط زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۶(۴۶).
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۷). انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه. *نشریه مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸(۴).

میشاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (۱۹۹۶).
 نوروزی، میثم؛ حبیبی سوادکوهی، صابر؛ شایان‌مهر، مهدی؛ طباطبایی‌نسب، سید علی (۱۴۰۳). مصونیت اموال دولت
 در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی دارایی‌های ایران. *مجله حقوقی
 بین‌المللی*، شماره ۷۳.
 وکیل، ا. (۱۴۰۲). *ایران و تحریم‌های بین‌المللی*. تهران: مجد.

31 CFR 560.516. (n.d.). Retrieved from: Code of Federal Regulations (CFR):

<https://www.ecfr.gov/current/title-31/section-560.516>

31 CFR Part 561. (n.d.). Retrieved from: Code of Federal Regulations:

<https://www.ecfr.gov/current/title-31/part-561>

Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, Divestment Act. (2010, July 1). Office of Foreign Assets Control (OFAC). Retrieved from:

<https://ofac.treasury.gov/media/5691/download?inline>

Constitution Annotated. (n.d.). Retrieved from: <https://constitution.congress.gov/browse/article-2/section-2/>

Declaration on the Establishment of a New International Economic Order. (1974). United Nations Digital Library. Retrieved from:

<https://digitallibrary.un.org/record/218450?v=pdf#files>

European Council (2007). *European Union*. EUR-Lex. Retrieved from:

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32007R0423>

Executive Order No. 12170. (1979, November 14). Office of Foreign Assets Control. Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/6316/download?inline>

Executive Order No. 12205. (1980, April 7). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/6321/download?inline>

Executive Order No. 12211. (1980, April 17). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/8001/download?inline>

Executive Order No. 12276. (1981, January 23). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/8006/download?inline>

Executive Order No. 12957. (1995, March 16). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/8061/download?inline>

Executive Order No. 12959. (1980, May 9). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/8066/download?inline>

Executive Order No. 13382. (2005, June 28). Office of Foreign Asset Control (OFAC). Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/8581/download?inline>

Executive Order No. 13871. (2019, May 8). Federal Register, The Daily Journal of the United States Governemet. Retrieved from:

<https://www.federalregister.gov/documents/2019/05/10/2019-09877/imposing-sanctions-with-respect-to-the-iron-steel-aluminum-and-copper-sectors-of-iran>

Executive Order No. 13902. (2020, January 10). Federal Register, The Daily Journal of the

- United States Governemet. Retrieved from:
<https://www.justice.gov/eoir/page/file/1234236/dl>
- GDP Per Capita, Iran*. (2011-2019). World Bank. Retrieved from:
<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.PP.CD?locations=IR>
- General Comment No. 8*. (1997, December 12). The UN Refugee Agency. Retrieved from:
<https://www.refworld.org/legal/general/cescr/1997/en/52393>
- Gordon, K.C., Smyth, M. & Cornell, T. (2019). *Sanctions Law*. London: Bloomsbury.
- Guidance Note on Overcompliance with Unilateral Sanctions and its Harmful Effects on Human Rights*. (n.d.). Office of the High Commissioner for Human Rights. Retrieved from:
<https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-unilateral-coercive-measures/resources-unilateral-coercive-measures/guidance-note-overcompliance-unilateral-sanctions-and-its-harmful-effects-human-rights>
- Hufbauer, G., Schott, J., Elliott, K. & Oegg, B. (2008). *Economic Sanctions Reconsidered*. Peterson Institute for International Economics.
- International Emergency Economic Powers Act*. (n.d.). United States Code Annotated. Retrieved from: <https://ofac.treasury.gov/media/5736/download?inline>
- Iran and Libya Sanctions Act*. (1996, August 5). Congress.Gov. Retrieved from:
<https://www.congress.gov/104/statute/STATUTE-110/STATUTE-110-Pg1541.pdf>
- Iran Nonproliferation Act*. (2000, March 14). Congress.Gov. Retrieved from:
<https://www.congress.gov/106/statute/STATUTE-114/STATUTE-114-Pg38.pdf>
- Malloy, M. (1990). *Economic Sanctions and US Trade*. Boston: Little Brown.
- Martin, E. A. (2006). *A Dictionary of Law*. Oxford University Press.
- National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2024*. (2024). Congress.gov. Retrieved from: <https://www.congress.gov/bill/118th-congress/house-bill/2670/text>
- Oxford English Dictionary*. (n.d.). Oxford English Dictionary. Retrieved from:
<https://www.oed.com/search/advanced/Meanings?q=sanction>
- Proclamation 4702—Imports of Petroleum and Petroleum Products From Iran*. (1979, November 12). The American Presidency Project. Retrieved from:
<https://www.presidency.ucsb.edu/documents/proclamation-4702-imports-petroleum-and-petroleum-products-from-iran>
- Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*. (2001). Office of Legal Affairs. Retrieved from:
https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf
- Secondary Sanctions' Implications and the Transatlantic Relationship*. (2019, September). Atlantic Council. Retrieved from:
https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/09/SecondarySanctions_Final.pdf
- Shipping and World Trade: World Seaborne Trade*. (n.d.). International Chamber of Shipping. Retrieved from: <https://www.ics-shipping.org/shipping-fact/shipping-and-world-trade->

world-seaborne-trade/

State Sponsors of Terrorism. (1984, January 19). US Department of State. Retrieved from:

<https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>

The Britannica Dictionary. (n.d.). Retrieved from The Britannica Dictionary:

<https://www.britannica.com/dictionary/sanction>

Todaro, M. P. (2020). *Economic development*. Pearson education.

Tomuschat, C. (2008). *Human Rights Between Idealism and Realism*. New York: Oxford University Press.

Treasury Cuts Iran's Bank Saderat Off From U.S. Financial System. (2006, September 8). U.S.

Department of the Treasury. Retrieved from:

<https://home.treasury.gov/news/press-releases/hp87>